سرمقاله

تک کرسی سازی؛ آیا نسخه مناسب افغانستان است؟

مهدی مدبر

در طرح جدید قانون انتخابات کشور، روی تک کرسی سازی حوزه های انتخاباتی تاکید شده است و به معاون دوم ریاست جمهوری وظیفه سپرده شده است تا این طرح را طبق پیشنهادات جلسه کابینه، تصحیح و نهایی سازد. قرار است این قانون پس از نهایی شدن توسط رئیس جمهور توشیح شود و حالت اجرایی را به خود بگیرد.

تک کرسی سازی حوزه های انتخاباتی به این معنی است که هر حوزه ی انتخاباتی فقط می تواند یک نماینده انتخاب کند. تعداد حوزه های انتخاباتی نیز برابر است با تعداد اعضای نهادی که برای آن انتخابات برگزار می شود و تعداد نفوس حوزه ها نیز باید باهم برابر باشند. در قانون اساسی افغانستان تعداد کرسی های مجلس نماینده گان ۲۴۹ کرسی تعیین شده است. بر اساس طرح تک کرسی سازی حوزه های انتخاباتی، افغانستان باید به ۲۴۹ حوزه ی انتخاباتی تقسیم شود و از هر حوزه یک نماینده انتخاب شود.

اصلاح نظام انتخاباتی یکی از موارد توافق نامه حکومت وحدت ملی بود. این کار اما در دو سال گذشته همواره با چالش های فراوان رو برو بوده است. اکنون که پیش نویس طرح این قانون تصویب گردیده است، دیده می شود که هنوز هم مشکلاتی در آن وجود دارد و با توجه به شرایط افغانستان، مزایای آن کمتر و مشکلات آن زیاد است.

یکی از مهمترین مزایای تک کرسی سازی حوزه های انتخاباتی پاسخگو سازی نمایندگان مجلس در قبال موکلین شان است.

اما با توجه به وضعیت سیاسی و امنیتی کشور، عملی سازی این طرح در حال حاضر با چالش های زیادی روبرو است و می تواند مشکلات زیادی را به بار آورد و حتی ضریب فساد در انتخابات را افزایش دهد.

اولین مشکلی که در برابر عملی سازی این طرح ظاهر می شود این است که با توجه به وضعیت ناگوار امنیتی کشور، تقسیم کردن افغانستان به ۲۴۹ حوزه ی انتخاباتی مساوی غیر قابل تصور است. اکنون حکومت افغانستان کنترول چندین ولسوالی و منطقه را در ولایت های که جنگ جریان دارد، در دست ندارد، در صورت تداوم نا امنی، این ولسوالی ها و منطقه ها که حتما چندین حوزه انتخاباتی را دربر خواهد گرفت، چگونه نماینده های شان را انتخاب کنند؟

همچنان برای عملی سازی این طرح نیاز است که نفوس کشور به صورت دقیق شمارش گردد، تا نفوس حوزه های انتخابات بصورت مساویانه تقسیم بندی گردد و مشخص باشد. اما نفوس شماری دقیق در حال حاضر ناممکن است و زمان طولانی را دربر خواهد گرفت. برای مشخص شدن تعداد دقیق نفوس کشور، قرار بود که تذکره های الکترونیکی توزیع گردد، اما متاسفانه پروسه ی توزیع تذکره های الکترونیکی نیز مدت ها پیش به حالت تعلیق در آمد و هنوز کار عملی آن دوباره آغاز نشده است. بدون شمارش دقیق نفوس کشور، تقسیم کردن حوزه های انتخاباتی با نفوس برابر، نا ممکن است.

از سوی دیگر این طرح زمینه گرفتن چوکی های بیشتر را از سوی زنان می گیرد. همچنان مشخص نیست که تعداد کرسی های که بصورت قانونی برای زنان اختصاص داده شده است، چگونه در حوزه های انتخاباتی عملی می گردد. در بسیاری از ولایت های دور افتاده و ولایت های که جنگ جریان داشته است، زنان نمی توانند خود را کاندیدا کنند و با مشکلات زیادی روبرو است. در عین زمان بسیاری از زنها در سالهای گذشته علاوه بر کرسی های قانونی، از طریق رقابت آزاد و با به دست آوردن آرای بیشتر انتخاب گردیده بودند.

علاوه بر این ها، طرح تک کرسی سازی حوزه های انتخاباتی، باعث می شود که زمینه انتخاب شدن برای افراد تندرو فراهم گردد. بسیاری از افراد تندرو در مناطق محل سکونت شان از نفوذ و قدرت کافی برخوردار هستند و با تک کرسی شدن حوزه های انتخاباتی، آنها به راحتی می توانند به مرجع قانون گذاری کشور داخل شوند و اعمال نفوذ کنند.

این طرح علاوه بر اینها، فرصت انتخاب شدن را از اقلیت ها و جوانان می گیرد. در صورتی که حوزه ی رای گیری یک نماینده ی مجلس یک ولایت باشد، امکان اینکه اقلیت ها و جوانان بتوانند به مجلس نمایندگان راه یابند، زیاد است، اما در صورتی که طرح تک کرسی سازی حوزه های انتخاباتی نهایی شود، این فرصت از جوانان و اقلیت ها گرفته می شود.

فرانسه چگونه به صورت هدف «مشروع» گروه های جهادی در آمد؟

ژان پیر سرینی و آلیان گرش/ مترجم: شهباز نخغی

عقیده رایج در پاریس این است که هیچ ارتباطی بین سیاست فرانسه درخاور نزدیک و شمال آفریقا (ساحل) و سوء قصدهایی که کشور قربانی آن بوده وجود ندارد. این جنگی که فرانسه در «آنجا» به آن می پردازد نیست که موجب تحریک پاسخ هایی مرگبار در خاک فرانسه می شود، بلکه دلیل این امر نفرت از «ارزش های ما»، «ایده هایمان» و شیوه زندگی فرانسوی است. با این حال، سراسر تاریخ اخیر عکس این را می آموزد.

دردوران استعمار، سناریوی اعزام نیروهای نظامی ساده بود: جنگ منحصرا در قلمرو قربانی انجام می شد و متجاوز تصور هم نمی کرد که شهرها و روستاهایش بتوانند هدف ضدحمله دشمنان قرارگیرند و حق هم داشت. داشتن برتری تسلیحاتی، سلطه مطلق بر دریاها و فقدان هرگونه «ستون پنجم» فعال در خاکش مانع این امر می شد. انگلستان و فرانسه در قرون هجدهم و نوزدهم تقریبا تمام کره زمین را برمبنای این طرح تسخیرکردند، که با جنگ های اروپایی بسیار متفاوت بود که در آنها، جز در جزیره بریتانیا، هیچ کشور یا مردمی از تخریب، کشته یا مجروح شدن در امان نبودند.

اکنون وضع برآن منوال نیست. البته، جنگ همچنان نابرابر است، اگرچه سازمان حکومت اسلامی (داعش) قلمرویی در اختیاردارد، برمیلیون ها سکنه آن حکم می راند و ازمرزهایش دفاع می کند. ولی نوعی تعادل وحشت شکل گرفته و کارشناسان از «جنگ نامتقارن» سخن می گویند که درآن از یک سو هواپیما، پهباد و موشک به کار می رود و ازسوی دیگر، سلاح حریف خرابکاری های اینترنتی، مواد منفجره و کلاشنیکف است. لاربی بن مهیدی، یکی از رهبران شورش الجزایر که درسال ۱۹۵۷ بازداشت شد به بازجویانی که براو ایراد می گرفتند چرا از بمب های مخفی شده درسبد استفاده کرده، گفت: «هواپیماهایتان را به ما بدهید، ماهم سبدهایمان را به شما خواهیم داد».

اکنون دیگر دشمنان فرانسه و ایالات متحده، اعم از حکومت ها یا سازمان های سیاسی-نظامی دربیرون از خاک کشور ناتوان نیستند و می توانند به هروسیله به داخل سرزمینی که آنها را هدف قرارمی دهد دسترسی یابند. نمونه این امر در سنت برناردینوی کالیفرنیا دیده شد که درآن زندگی ۱۴ تن فدای انتقامجویی زوجی شد که زیرنفوذ داعش بودند و حملات نیروی هوایی آمریکا در هزاران کیلومتر آنسوتر را تلافی می کردند.

از جنگ عراق - ایران تا نبرد الجزایر و بمباران ها علیه داعش

کمتر از ۲۵ سال پس از جنگ الجزایر با شمار زیادی از تیراندازی، خرابکاری و سوء قصدها در داخل خاک فرانسه، کشور ازنو با تروریسم رودررو شد. در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۶، در شماره ۱۴۰ خیابان رن در پاریس، روبروی فروشگاه مشهور تاتی، یک صندوق فلزی زباله شهرداری منفجرشد: حاصل آن ۷ کشته و ۵۵ مجروح بود. این آخرین مورد از مجموع ۱۴ سوء قصدی بود که در کمتر از یک سال توسط کمیته مرموز «همبستگی با زندانیان سیاسی عرب خاور نزدیک» اجرا شده بود. این عنوان هدف اصلی «مغز متفکر» آن فواد علی صالح را پنهان می کند که یک تونسی گرویده به شیعه بود که بیش از آن که درپی آزادی یاران زندانی خود باشد، خواستار قطع حمایت نظامی پاریس از عراق در جنگ مرگباری بود که ازسال ۱۹۸۰ علیه جمهوری اسلامی ایران جریان داشت.

فرانسوا میتران که در ماه می ۱۹۸۱ انتخاب شده بود، حمایت خود از عراق را پنهان نمی کرد. اما سوء قصد در ساختمان دراکار بیروت که دراختیار ارتش فرانسه بود (و ۵۸ چترباز درآن کشته شدند) در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳، که به گروه های درارتباط با تهران نسبت داده شد، او را واداشت که برای تحویل مهمات به نیروهای مسلح ایران مجوز بدهد. این نیروها پیش از سقوط شاه درسال ۱۹۷۹ به شمار محدودی از تجهیزات فرانسوی مجهز بودند. پنج هزار گلوله توپ ۱۵۵ و ۲۰۳ میلیمتری ازطریق کشورهای آمریکای جنوبی و بالکان، که ازروی لطف برای آنها گواهی صادر کردند، به ایران تحویل داده شد. با پیروزی ژاک شیراک و جناح راست در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۶، «همزیستی» آغازشد. آندره ژیرو، وزیر دفاع فرمان قطع فوری تحویل هرگونه سلاح را صادر کرد و دست اندرکاران آنچه که به «مساله لوشیر» (۱) موسوم شد را به دستگاه قضایی سپرد. سوء قصد خیابان رن، پاسخ ایران به این امر بود.

پس از قطع نخستین انتخابات قانونگذاری آزاد در الجزایر در دسامبر ۱۹۹۱، که به پیروزی «جبهه اسلامی نجات» (FIS) انجامیده بود، میتران و دولتش بین تسلی یافتن از این که اسلام گرایان درقدرت نیستند، و محکوم کردن کودتا، که برخلاف اصول ایشان بود، درنوسان بودند.

درماه مارچ ۱۹۹۳، ادوارد بالادور نخست وزیر شد. در دسامبر ۱۹۹۴، یک هواپیمای ایرباس ایرفرانس از الجزایر ربوده شد و در مارسی به زمین نشست. گروه مداخله ژاندارمری ملی (GIGN) به آن حمله کرد و مانع از آن شد که به هدفش که برخورد با برج ایفل بود دست یابد. شارل پاسکوا، وزیر جدید کشور از سیاست سلف سوسیالیست خود فاصله گرفته بود که برهمکاری هایی که گروه مسلح اسلامی (GIA) درخاک فرانسه با مخالفان حکومت الجزایر داشتند چشم می بست. او عملیاتی برای سرکوب ترتیب داد و تعقیب و بازداشت خانگی علیه کسانی که در خفا از GIA حمایت می کردند را تشدید کرد و آنان را واداشت که فرانسه را به مقصد سوئیس یا بلژیک ترک کنند.

بین ماه های جولای و اکتبر ۱۹۹۵، موجی از ۸ سوء قصد فرانسه را فراگرفت. مرگبارتراز همه در ۲۵ جولای در ایستگاه سن میشل خطوط سریع پاریس بود که ۸ کشته و ۵۵ مجروح به جا گذاشت. این سوء قصد ها که به GIA نسبت داده می شد، درپی موضع گیری پاریس دربرابر جنگ داخلی الجزایر بود. ژاک شیراک، رئیس جمهوری جدید، که درسال ۱۹۹۵ انتخاب شده بود، پیام را کاملا درک کرد و درمورد الجزایر، هم نسبت به رئیس جمهوری لیامین زروال و هم اسلام گرایان دست به عقب نشینی زد.

در جنوری ۲۰۱۵، کمتراز پنج ماه پس از آغاز بمباران های فرانسه درعراق، پاریس ازنو به خون کشیده شد. با آن که دو مهاجم «شارلی ابدو» بیانگر عدم تحمل مذهبی بسیار افراطی بودند، آمدی کولیباری، که به سوپرمارکت کاشر در پورت دو ونسان حمله کرد، مدعی انتقامجویی به خاطر قربانیان مداخله فرانسه درکشورخود مالی بود. در ۱۳ نوامبر، کمتر از ۳ ماه پس از گسترش بمباران ها به سوریه، داعش مسئولیت کشتار مرگبار شرق پاریس با ۱۳۰ کشته و بیش از ۴۰۰ مجروح) را به عهده گرفت.

تغییر جهت سیاست پاریس

چنان که دیده می شود، سوء قصدها، هرقدر که درخور محکوم کردن باشد، تنها در چهارچوب سیاسی و دیپلوماتیک می تواند درک (و برآن غلبه) شود. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، و به ویژه جنگ اعلام شده ایالات متحده علیه عراق درماه مارس ۲۰۰۳، خاک اروپا از نو هدف قرارگرفت: دو سوء قصد عمده درماه مارس ۲۰۰۴ در مادرید و درژانویه ۲۰۰۵ در لندن انجام شد. هدف این سوء قصدها، نه «شیوه زندگی» غربی، بلکه دو کشوری بود که جزء فعال ترین کشورها در ائتلافی بودند که عراق را تخریب کردند. بی تردید فرانسه از جمله به خاطر سخنان ضدجنگ ۱۴ فوریه ۲۰۰۳ وزیر امورخارجه، دومینیک دو ویلپن در شورای امنیت سازمان ملل، از این حملات درامان ماند.

نفرتی که دنیای مسلمان نسبت به غرب دارد، درحدی زیاد از گروه های افراط گرا فراتر می رود و نمی توان میزان آن را اندازه گرفت. صدها هزار کشته، میلیون ها پناهنده، شکنجه های زندان ابوغریب، «آسیب های جانبی»، حملات هواپیماهای بدون سرنشین - که همه برروی کشورهای مسلمان متمرکز است - همگی تبلیغات داعش را تغذیه می کند که مدعی «جنگ صلیبی» علیه اسلام و بدون مجازات ماندن ناروا و یک جانبه است. هیچ یک از مسئولان آمریکایی فاجعه عراق محاکمه نشده اند و حتی دادگاه جزایی بین المللی به سراغ آنها نیز نرفته است.

درخاور نزدیک، صدای فرانسه ویژگی موسیقی واری که خاص آن بود را ازدست داده است. پاریس پس از سال ۲۰۰۳، درسال های آخر ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، به دنباله روی از ایالات متحده پرداخت، اشغال عراق را به رسمیت شناخت و در لیبیا، مالی، جمهوری آفریقای مرکزی و سرانجام عراق و بعد سوریه به دخالت نظامی پرداخت. از ویران کردن یمن توسط عربستان سعودی - بدون مخالفت عمومی ابراز شده - حمایت کرده و به این کشور تسلیحات می دهد. هیچ قدرت غربی دیگر، به استثنای ایالات متحده، این چنین در قلمرو اسلام حضور نظامی ندارد و هنگامی که پاریس به بیان تفاوت خود می پردازد، برای انتقاد از رئیس جمهوری باراک اوباما است که به نظرش در پرونده هسته ای نرمش به خرج داده و ازدید فرانسه در سوریه به قدر کافی دخالت نکرده است.

موضع گیری نرم فرانسه در درگیری اسرائیل - فلسطین را نیز نباید از یاد برد. پس از سرکوب شدید انتفاضه دوم توسط تانک های اسرائیلی در سال های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۲ افکار عمومی، غالبا به طور مستقیم، ناظر حملات وسیع علیه غزه درسال های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ بوده است. هربار، دولت فرانسه، اعم از راست یا چپ، به عنوان «حق اسرائیل به دفاع از خود» این اعمال را تائید کرده است. وزارت امورخارجه، مانند شماری از روشنفکران، چگونه می تواند مدعی شود که خشم علیه غرب و فرانسه ناشی از فاجعه فلسطین نیست؟ دیوید پترائوس، ژنرال آمریکایی که پیشتر فرمانده مرکز فرماندهی نیروهای آمریکایی بود (۲)، با روشن بینی بیشتری می گوید: «تنش های بین اسرائیل - فلسطین غالبا به خشونت و رودررویی مسلحانه درسطح بالا منجر می شود. این درگیری ها، به خاطر جانبداری ایالات متحده از اسرائیل، برانگیزاننده احساسات ضد آمریکایی است. خشم عرب ها درمورد مساله فلسطین نیرو و عمق روابط ما دراین منطقه را محدود می کند و موجب تضعیف مشروعیت رژیم های میانه رو در دنیای عرب می شود. القاعده و دیگر گروه های شبه نظامی ازاین خشم برای تجهیز خود بهره برداری می کنند».

به فراموشی سپردن ارتباط بین سیاست خارجی اعمال شده در دنیای عرب و توسعه جهادگرایی سبب نابینایی ای می شود که بیانگر ۱۵ سال شکست در «جنگ علیه تروریسم» است. این نادیده انگاری اندیشه راهبردی را دچار فلج می کند و فرانسه را به «چرخه ای دوزخی» می کشاند که نمی تواند بهای سنگین آن را بپردازد.

جهان در مواجه با بحران کم آبی

دامیان کارینگتن

یافته های جدید نشان می‌دهند که چهار میلیارد نفر با کم آبی شدید مواجه اند. کمبود آب هر ساله دو سوم از جمعیت جهان، بیش از چهار میلیارد نفر، را به مدت یک ماه متأثر از خود می‌سازد. افشاسازی‌ها نشان می‌دهند بحران کم آبی، یعنی یکی از خطرناکترین چالش های پیش روی جهان، خیلی وخیم تر از آن چیزی است که پیشتر تصور میشد.

تحقیقات جدید همچنین آشکار کرده اند که ۵۰۰ میلیون نفر در مکانهایی زندگی می کنند که مصرف آب دو برابر یک سال کامل پر باران است، با به راه افتادن سفره های آب زیرزمینی این میزان بارش آنها را به شدت آسیب پذیر می کند. بسیاری از مردم که از منابع آبی شکننده برخوردارند در هند و چین زندگی می کنند، اما دیگر مناطق مربوط به ایالات متحده‌ی مرکزی و غربی، استرالیا و حتی شهر لندن هستند. چنانچه ارزیابی ها نشان می دهند این مشکلات آب که قرار است همراه با رشد جمعیت و افزایش مصرف آب - بویژه بواسطه خوردن گوشت - وخیم تر شوند، رو به افزایش هستند.

در ماه جنوری مجمع اقتصاد جهانی بحرانهای آبی را در کنار تغییرات آب و هوایی و مهاجرت دسته جمعی به عنوان یکی از سه خطر بزرگ آسیب‌رسان به مردم و اقتصاد در دهه‌ی بعدی، معرفی کرد. کشورهایی مثل سوریه همزمان با سه خطر مواجه هستند: مطالعات اخیر گویای این بوده که تغییرات آب و هوایی احتمال وقوع خشکسالی شدید سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ را خیلی بیشتر کرد و خشکسالی منجر به مهاجرت دسته جمعی خانواده های کشاورز به شهرها شد.

پروفسور آرین هوکسترا (Arjen Hoekstra)، استاد دانشگاه توئنته در هالند و کسی که ارزیابی های جدید را به عمل آورده می گوید: «اگر به مشکلات زیست محیطی نگاهی بیندازیم، یقینا [کمبود آب] مهترین معضل محسوب می شود.» «یکی از مناطق که وضعیت بسیار بسیار بحرانی دارد یمن است.» طی چند سال آینده منابع آبی یمن به پایان می رسد، اما مناطق دیگر از جمله پاکستان، ایران، مکزیک و عربستان سعودی همزمان با خالی شدن مداوم منابع آب زیرزمینی در زمانی که به عاریت گرفته شده، زندگی می کنند.

هوکسترا همچنین حوزه آبگیر موری دارلینگ (Murray-Darling) در استرالیا و میانه غربی ایالات متحده را مورد توجه قرار داده است. «منابع آبی زیرزمینی عظیم اوگالالا (Ogallala) در این ناحیه استقرار یافته که رو به اتمام است.» او بیان داشت که حتی شهرهای ثروتمندی همچون لندن در انگلستان در شرایط ناپایداری به سر می برند: طی مدت زمان طولانی «شما در نواحی اطراف برای حفظ آبی که به سمت لندن جریان دارد، آب در اختیار ندارید.» مطالعات اخیر که روز جمعه در مجله پیشرفتهای علمی منتشر شده است اولین بررسی برای آزمون کمبود جهانی آب با مبنای ماهیانه و تفکیک پذیری ۳۱ مایل یا کمتر محسوب می شود.

این ارزیابی داده ها را از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ مورد تحلیل قرار داد و به کم آبی شدیدی - کمبود آب شدید آن هنگام تعریف می شود که استفاده از آب بیش از دوبرابر میزان ذخیره مجدد آب باشد - پی برد که ۴ میلیارد نفر را دست کم یک ماه در سال تحت تأثیر خود قرار می دهد. «نتایج حاصل دلالت بر این موضوع دارند که شرایط جهانی آب بسیار وخیم تر از آن چیزی است که مطالعات پیشین نشان می دادند. بررسی ها برآورد می کردند که کم آبی جمعیتی بین ۱,۷ تا ۳,۱ میلیون را تحت شعاع خود قرار می هد.» به علاوه ارزیابی جدید نشان داد که ۱,۸ میلیون نفر برای حداقل نیمی از سال از کم آبی شدید رنج می برند. کشاورزی بزرگترین مصرف کننده آب است و جمعیت رو به رشد جهان به غذای بیشتری نیاز دارند. به علاوه نظر به اینکه مردم با افزایش درآمدها گوشت بیشتری می خورند، تغییر رژیمهای غذایی اثر عمده ای بر افزایش مصرف آب داشته است.

هوکسترا عنوان کرده است که «گرفتن یک دوش کوتاه‌مدت تر پاسخی به معضل جهانی نیست»، به دلیل اینکه فقط ۱ تا ۴ درصد از مصرف شخصی آب قابل شرب در خانه صورت می گیرد در حالیکه ۲۵ درصد آن از طریق مصرف گوشت است. بیش از ۱۵۰۰۰ لیتر آب برای تولید یک کیلوگرم گوشت گاو استفاده می شود، تقریبا همین میزان آب نیز برای آبیاری محصولات کشاورزی مختص تغذیه گاو مصرف می شود. از دیگر جنبه های منحصر به فرد تحقیق جدید این بود که الزامات آبی زیست محیطی را نیز شامل می شد، به عنوان مثال نیاز بود از این امر اطمینان حاصل شود که زندگی آبی در رودخانه ها و دریاچه ها باقی خواهد ماند. ماهی می تواند یکی از منابع مهم غذایی برای انسانها باشد که از راههای آبی برای حمل و نقل استفاده می کند. حتی فقط یک ماه کمبود آب شدید اثرات ویران‌کننده ای بر سلامت رودخانه دارد، بنابر نظر هوکسترا: «یک رودخانه‌ی خالی رودخانه نیست.» رودخانه کلورادو در غرب ایالات متحده و رودخانه زرد در چین، از جمله رودخانه هایی هستند که قبل از رسیدن به انتهای مسیرشان خشک می شوند، یا نزدیک است که در چنین موقعیتی قرار گیرند.

دیوید تیکنر (David Tickner) مشاور ارشد آب شیرین در WWF (World Wide Fund for Nature) انگلستان می گوید: «این مقاله مجددا اشاره به فوریت این چالش دارد. میلیاردها انسان و نظامهای اقتصادی بسیاری به دلیل خطرات مربوط به آب که بهتر می توان آنها را مدیریت کرد، به صورت فزاینده ای متحمل خسارت می شوند. زیانهای مشابه سبب فروپاشی حیات وحش آبزیان در سراسر جهان هستند.» هوکسترا معتقد است سرپوشهای حفاظتی آب مصرفی بایستی در تمامی حوضه های رودخانه ای نیز استقرار یابند، شرکتها باید در مورد اینکه چه مقدار آب برای تولید محصولاتشان مورد نیاز است شفاف بوده و در پی کاهش آن باشند، در عین حال سرمایه‌گذاران باید پایداری آب را در تصمیم‌گیری‌هایشان ادغام کنند.

کارتون روز

بدون شرح

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱٥۷۳۷۱

❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده

❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

◇
روزنامۀافغانستان از همۀ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
◇
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
◇
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com